امام خمینی(ره) از منظر آغازگر انقلاب بحرین

سرچشمه های اصلی و نسخه های بدلی

عبدالوهاب حسین ۵۸ ساله و ملقب به مفجر الثوره(آغازگر انقلاب) و عموما با لفظ استاد در بین مردم بحرین خطاب می شود. وی از جمله سه رهبر اصلی انتفاضه دهه نود بحرین می باشد. که در آن انتفاضه ۶ سال را در زندان انفرادی گذرانده است. وی از نخستین کسانی بود که در انقلاب ۱۴ فوریه بحرین از صبح زود در صف اول تظاهرکنندگان به میدان آمد و جوانان را به ایجاد تظاهرات برای اصلاحات تشویق کرده بود. وی را میتوان در دو دهه گذشته مغز متفکر سیاسی در بحرین نامید. عضو هیئت موسس جمعیت الوفاق ملی و موسس و رهبر گروه انقلابی وفاء اسلامی و نیز سخنگوی رسمی اصحاب انقلاب دهه نود می باشد. وی هم اکنون در زندان است و محکوم به حبس ابد. از وی کتب و مقالات و سخنرانی های فراوانی در مورد انقلاب اسلامی وامام خمینی(ره) وجود دارد. آنچه در زیر می آید گزیده ای از سخنرانی وی در روز دوم جمادی الثانی سال ۱۴۲۹ قمری(۱۳۸۶) در فضای سخت امنیتی و اختناق حکومت آل خلیفه در مسجد امام علی (ع) در جمع مردم منطقه عراد در بحرین است. استاد در آن سال ها به تبیین راه و سلوک امام و انقلاب اسلامی در نقاط مختلف بحرین می پردازد. و با تبیین راه امام در صدد بیداری مردم بحرین است. در این سخنرانی به جایگاه مردم در نظام فکری امام و انقلاب می پردازد و غیر مستقیم مقایسه ای با وضعیت حکومت در بحرین دارد و مردم را به تاسی از راه امام فرا می خواند و خطر تحریف راه امام توسط دشمنان را هشدار داده و خطر بزرگتر از آن را تحریف راه امام توسط مدعیانی که با ادعای دروغ اتصال به این راه خود را ادامه دهنده راه امام نشان می دهند و راه مخالف ایشان و به نام ایشان را در پیش می گیرند. و آشنایی با راه و روش امام خمینی بزرگ (قدس سره) از منابع اصلی شفاف مانند امام سید علی خامنه ای می داند.کیهان بیش از این نیز مصاحبه ای اختصاصی با خانواده شهدای بحرینی داشت. انتخاب این متن به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و نیز شناخت جامعه ایرانی از رهبران گمنام انقلاب بحرین و نیز عمق اندیشه امام و انقلاب در فضای خارج از مرزها بوده و به روشنی بنیان های اصیل انقلاب مردم مظلوم بحرین را نشان می دهد.

***

خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد ، و ما را به محمد و ال محمد رحم کن ، و دلهای ما را به محمد و آل محمد هدایت کن.

ای دوستان عزیز: امام خمینی (قدس سره) فقیه و اصولی و مفسری بزرگ، و فیلسوف و متکلمی کم نظیر و دارای عرفان نظری و عملی ویژه و سیاستمدار و رهبر ممتاز بود و همه این امور به وضوح در شخصیت و رفتار و عملکرد ایشان به روشنی آشکار و متجلی بود. اصول و مبانی، اندیشه و تفکر او را سازماندهی می کرد، و فقه رفتار و عملکردش را طبق احکام مقدسش تنظیم می کرد ، و تفسیر او را با شواهد و مثالها بی نیاز می کرد ، و فلسفه و علم کلام نظر و اندیشه او را عمق می بخشید و سیاست بینش در تشخیص اوضاع و آگاهی در فهم و درک امور زندگی را به او می داد.

اما عرفان: عرفان او بزرگترین سهم را دارا بود بلکه آن دلیلی بود بر هاله نورانی که امام خمینی بزرگ (قدس سره)را احاطه می کرد و آن عرفان نزد او فقط ادعا و حرف نبود، بلکه رؤیت و شهود و حضور مبارک همیشگی در محضر قدس الهی بود، تا آنجا که عرفان او را انسان آسمانی در زمین قرار داد، و همه آن میراث غنی تاثیر مستقیمش را در فرهنگ امام خمینی (قدس) و شخصیت بی نظیر او نشان داد. و این عرفان از او رهبری ربانی و بزرگ و متمایز ساخت ، که به روشنی دید و یقین و قاطعیت و

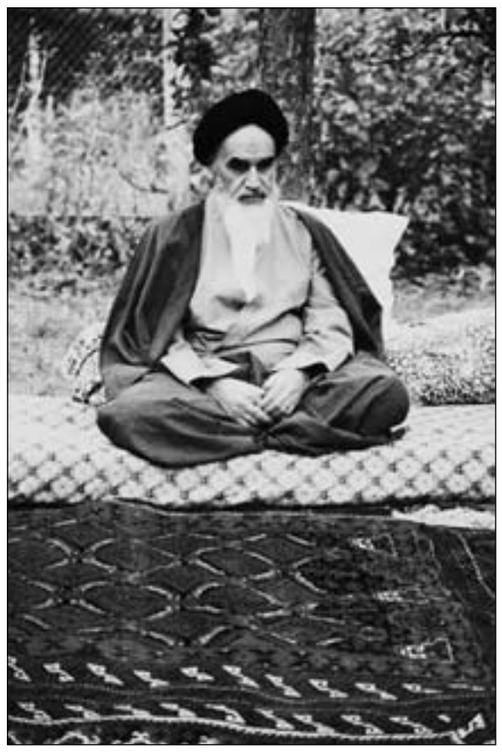

ثبات و پایداری در عملکرد و در واقعیت و انصاف متصف می شود ، نرمی نشان نمی دهد و نمی ترسد مگر از خداوند جل جلاله، و هیچ تکلیفی را به حد افراط نمی رساند، و هرگزکنار آمدن با امور مضر به اسلام یا حقوق مردم و مصالح و منافع حیاتی آنها را انجام نمی داد، حتی وقتی فشارها و برخوردها با او شدت می گرفت ، و او هرگز به کسی ظلم نمی کرد، و هرگز حق کسی را پایمال نمی کرد ، فروتن و شریف بود، اندیشه و فکری باز داشت، قلبی نورانی ، دارای نفسی مطمئن و والا، اندیشه ای متوازن، شفاف و بسیار راستگو، از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای در راه خدا بیم نداشت. صفات جمال و جلال و زیبایی و عظمت خدا در او متجلی و آشکار بود. همان طور که به حق و حقیقت او حقیقت انسان مؤمن مرتبط به خداوند دارای جلال و اکرام است آنان که خداوند آنها را این گونه وصف کرد: «در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند»(المائدة : ۵۴) و «در برابر کفّار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند» (الفتح : ۲۹) و«اذلة علی المؤمنین» و «رحماء بینهم» یعنی متجلی و آشکار شدن صفات جمال خداوندی، و «اشداء علی الکفار» و «اعزه علی الکافرین» یعنی تجلی صفات جلال و بزرگی خداوندی.

و امام خمینی بزرگ از جهت جلال و بزرگی و قدرت مردی صبور شجاع دارای پایداری و ثبات در برخوردها شناخته شده است. و از قدرت بدون نیاز به آن استفاده نمی کرد، اما اگر به آن برای محقق کردن اهداف عدالت طلبانه نیاز پیدا می کرد در استفاده از آن در حدود شرع مقدس دریغ نمی کرد، چون مطمئن بود او با خدای جل جلاله است و خدا با او و با حق و عدالت، و با مظلومان و مستضعفان در زمین است امام در مواجهه با استبداد شاه ثبات و استواری افسانه ای و عجیبی داشت. و همچنین در مواجهه با استبداد شیطان بزرگتر یعنی آمریکا و صهیونیستها و کشورهای مستکبر و عوامل آنها در منطقه از حکومت های دیکتاتور ظالم. او می دانست که با پایداری و عملکرد خود اراده عادلانه خداوند جلیل در زمین را اجرا می کند. و او بعد از توکل صادق بر خداوند جل جلاله از پیروزی و پشتیبانی او و ملت همراه با او در پیروزی

*** من شما را به آشنایی با راه و روش امام خمینی بزرگ (قدس سره) از منابع اصلی شفاف وصیت می کنم. مانند: امام سید علی خامنه ای و نیز از طریق تجربه های آزمون شده و معتبر که به صداقت و اخلاص در عمل نشان داده اند مانند: تجربه حزب ا... پیروز در لبنان.**

حق و عدالت و آزادی و برابری بین انسانها که چقدر نیاز به عقیده نورانی و با عظمت توحید دارد مطمئن بود.

خداوند متعال می فرماید:

«اینها کسانی بودند که (بعضی از) مردم، به آنان گفتند: «مردم [لشکر دشمن] برای (حمله به) شما اجتماع کرده‌اند از آنها بترسید!» اما این سخن، بر ایمانشان افزود و گفتند: «خدا ما را کافی است و او بهترین حامی ماست. به همین جهت، آنها از این میدان با نعمت و فضل پروردگارشان، بازگشتند در حالی که هیچ ناراحتی به آنان نرسید و از رضای خدا، پیروی کردند و خداوند دارای فضل و بخشش بزرگی است. این فقط شیطان است که پیروان خود را (با سخنان و شایعات بی‌اساس) می‌ترساند. از آنها نترسید! و تنها از من بترسید اگر ایمان دارید!» (آل عمران : ۱۷۳-۱۷۵)

و از جهت زیبایی و مهربانی و شفقت:

امام خمینی (قدس) این انسان بی نظیر با عظمت را در نهایت فروتنی در مقابل فقرا و مردم و مستضعفان در زمین و همدردی با آنها می یابی، و او بسیار مهربان ودلبسته به آنها بود و بسیار

*** خطر بزرگ تر بر راه امام آن است که بعضی از کسانی که با ادعای دروغ اتصال به این راه را نشان می دهند و به تحریف آن راه بر می خیزند. در آن حال پیشنهاداتی مطرح می کنند و راه مخالف ایشان و به نام ایشان را در پیش می گیرند.**

به آنها اطمینان داشت. هیچ یک از حقوق مادی و معنوی آنها را پایمال نمی کرد. او به فضیلت و جایگاه والای آنها در انقلاب اعتراف می کرد، تا آنجا که درباره مردم می فرمود: «اینها ولی نعمت ما هستند». و این کلمه ای است که معمولا گفته نمی شود مگر در حق انبیا و اولیا. و بر اینکه حق طبیعی شرعی خود را در تصمیم گیری ها پی گیری کنند. و بر نظارت مقامات دولتی و جوابگویی آنها اصرار می ورزید. همان طور که خود در امور دولتی این کار را کرد. و کاری را که ستمگران انجام می دهند و وجود ضعیف خود را محور همه چیز قرار می دهند ، انجام نداد. پس بر وضع قانونی که به دقت تخصص و مهارت مقامات دولتی و صلاحیت آنها و حقوق اساسی مردم در آن را مشخص می کرد اصرار و رای گیری بر آن بعد از فقط دو ماه بعد از پیروزی انقلاب انجام گرفت .و بر ایجاد نهادهای دولتی اصرار ورزید و در تخصص و مهارت مسؤلان دخالت نکرد. همان طور که به وحدت اسلامی و وحدت جبهه مستضعفان در زمین برعلیه مستکبران دعوت کرد و به خاطر آن با صدق و اخلاص عمل کرد، و کینه بر دیگری و تعصب کور و تنگ نظری در امور او را از دیدن حق و عدالت و راستی کور نمی کرد. پس بر اساس دیدگاه فقهی معتبر، و بینش سیاسی نافذش در تشخیص اوضاع و خطرهای قریب الوقوع بر مسلمانان و مستضعفان در زمین هر چیز را در جایگاه طبیعی خود با میانه روی تمام قرار داد. ودر این مورد راه و روش عرفانیش که او را در خداوند ذی الجلال و الاکرام تماما فنا کرده بود به او کمک کرد. و برای خود وجود و نعمتی به غیر خداوند جل جلاله نمی دید. پس خود را در برابر او در همه چیز فقیر می دید، و هر چه را که داشت از آن خداوند می دید. پس به حق و حقیقت برای مردم فروتنی و به فضیلت و جایگاه والا و حقوق شرعی آنها اعتراف می کرد. و در چیزی از دنیای بی ارزش فانی با آنها رقابت نمی کرد، تا آنجا که خداوند در زندگی برای او چشم و گوش و دست و پاهایش شد... همان طور که در حدیث قدسی خداوند فرمود:«... و بنده من به من نزدیک نشد به چیزی محبوب تر نزد من از آنچه که بر او واجب کردم، و مادامی که بنده من به من نزدیک می شود با نوافل من او را دوست می دارم. پس اگر او را دوست داشتم برای او گوشی می شوم که با آن می شنود و چشمی که با آن می بیند و دستی که با آن حق را بر پا می کند و پاهایی که با آن راه می رود خواهم بود و اگر از من درخواست کند به او خواهم داد و اگر به من پناه برد او را پناه خواهم داد».

این یک تصویر ساده و کوچک از امام خمینی بزرگ (قدس سره) در اندیشه و اخلاق و رفتار و عملکرد ایشان می باشد. که واقعیت و تجربه از آن سخن می گویند و نه ادعا و توجیه دروغ، که آن را در اختیار رهبران و پیروان می گذارم تا شاید خداوند به مؤمنین و وطن دوستان شریف در دنیا و آخرت سود رساند.

در این مناسبت و در پرتو وضعیت کنونی:

از مردم شریف به آشنایی با دقت بر راه و روش امام خمینی (قدس سره) در مخالفت و ممانعت و مقاومت و استفاده عملی از آن با قرار دادن آن در جایگاه عمل در طلب اصلاح و حقوق و آزادی ها دعوت می کنم. این راه و روش اثر بخشی خود و پیروزیش را در مخالفت و انقلاب و مقاومت و آزادی و ساخت و ساز دولت و اداره و مدیریت آن اثبات کرد. و آن راه و روشی اساسی و کامل در ریشه ها و مبادی نظری و عملی است. و راه و روشی مطمئن زیرا از فقیهی جامع الشرایط صادر شده است و دارای فرهنگی وسیع و شمولی و عمیق اسلامی و معاصراست و دارای تجربه رهبری بلند مدت و اثر بخش و موفق می باشد و آن تنها راه و روش اسلامی بود که مقدار زیادی از موفقیتها و پیروزیها را بر همه سطوح محقق کرد و صحت و درستیش و اثر بخشیش را با تجربهٔ اثبات کرد.

و برای همین ایشان امروز در معرض خطر تحریف از طرف قدرتهای استکبار جهانی و عوامل آنها در حکومتهای دیکتاتوری ظالم در منطقه، با هدف دور کردن مسلمانان و مستضعفان از امام و راه و روشش می باشند تا اینکه او را به خوبی نشناسند، و آن را در مبارزه ملی شان جایگاه عمل قرار ندهند. زیرا – بر اساس تجربه – نشان دهنده خطر جدی و قوی بر مصالح استکبار جهانی و حکومتهای ظالم می باشد.

خطر بزرگ تراز دشمن، تحریف راه امام توسط مدعیان دروغین راه امام است!

اما من – ای دوستان – خطر بزرگ تر را بر راه و روش امام خمینی بزرگ (قدس سره) در آن تحریفی که دشمنان ایجاد می کنند نمی بینم زیرا مومنان معمولا از دشمنان نمی شنوند و بین آنها و بین دشمنان مانع روحی وجود دارد که آنها را از گوش دادن به آنها و تأثیر و آسیب پذیری زیاد در آنها جلوگیری می کند.

خطر بزرگ تر بر راه امام آن است که بعضی از کسانی که با ادعای دروغ اتصال به این راه را نشان می دهند و به تحریف آن راه بر می خیزند. در آن حال پیشنهاداتی مطرح می کنند و راه مخالف ایشان و به نام ایشان را در پیش می گیرند تا آنجا که موجب تحریف دیدگاه مؤمنان نسبت به این راه می شوند و آنها را بدون خواست آن مردم از آن راه دور می کنند و این همان امری است که مؤمنان و شریفان را به پرهیز شدید از آن دعوت می کنم.

من شما را به آشنایی با راه و روش امام خمینی بزرگ (قدس سره) از منابع اصلی شفاف وصیت می کنم. مانند: امام سید علی خامنه ای و نیز از طریق تجربه های آزمون شده و معتبر که به صداقت و اخلاص در عمل نشان داده اند مانند: تجربه حزب ا... پیروز در لبنان. و من رهبر حقیقی برای این راه را، ولی امر مسلمین سید علی خامنه ای می بینم (خداوند سایه ایشان را مستدام بدارد) و مثال معتبر آن که در صداقت و اخلاص و مخالفت و مقاومت و آزادی نشان داده می شود حزب ا... پیروز در لبنان است و رهبر بی نظیر آن سید حسن نصر ا... (خداوند او را حفظ کند و قدمهای او را در این راه استوار بدارد) می باشد پس بگیرید آنچه را که به شما داد و رها کنید آنچه را که با آن مخالف است.

ای دوستان و برادران عزیز؛

به این مقدار کفایت می کنم و از خداوند کریم و رحیم برای خود و شما آمرزش می طلبم و سلام خداوند و رحمت و برکات او بر شما باد.

انقلاب اسلامی ایران و اصل حق تعیین سرنوشت

■ ندا سمیعی پنجی

انسان در قبال سرنوشت، کمال و سعادت خویش احساس وظیفه می کند و از سویی دیگر چون به تعامل و تاثیر و تاثّر خود با اجتماع واقف است ؛ خود را نسبت به اجتماع مسئول می داند. یکی از اساسی‌ترین موازین حقوق بشر، حق مردم برای تعیین سرنوشت خویش است. اهمیت این حق تا بدانجا است که آن را پایه و اساس سایر اصول حقوق بشری می‌دانند. احترام به تمایلات و آرمانهای مردم و ملتها، یعنی حق تعیین سرنوشت به عنوان یک اصل تقریباً در تمامی حیطه های حقوق سیاسی و مدنی و حقوقی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مطرح می شود و در اسناد معتبر بین المللی و اعلامیه های مجمع عمومی سازمان ملل مورد توجه ویژه قرار گرفته است. حق مشارکت در حکومت و تعیین سرنوشت، در اعلامیه جهانی حقوق بشر۱، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی۲، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون امریکایی حقوق بشر و منشور آفریقایی حقوق بشر قابل مطالعه و بررسی است. در سال ۱۹۶۰ اعلامیه به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید این اعلامیه مقرر داشت که همه ملت ها حق دارند، از حق خود مختاری برخوردار باشند و حق دارند که آزادانه وضعیت سیاسی خود را تعیین نموده و به توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش ادامه دهند.

ورود این اصطلاح در اسناد حقوق بشر، نخستین بار در میثاقین: (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) صورت گرفت. بند ۱ ماده (۱) هر دو میثاق قبل از شروع به شمردن حقوق و آزادی های اساسی لازم الرعایه افراد با بیانی یکسان مقرر می دارد « همه ملتها دارای حق تعیین سر نوشت هستند که به موجب آن می توانند آزادانه وضعیت سیاسی خود را تعیین کنند و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تأمین نمایند.)) این اصل در ماده یک منشور به عنوان یکی از مبانی و پایه های روابط دوستانه و مسالمت آمیز بین دولتها و ملتها یاد شده است و در زمره اهداف و مقاصد ملل متحد ذکر شده است. حق تعیین سرنوشت، اصطلاح جدیدی است که ابتدا فارغ از ورود آن در حوزه حقوق بشر، در روابط بین الملل و برای طرد استعمار و سلطه خارجی مطرح شد و به عنوان حق ملتها یعنی مجموعه ای از افراد انسانی که با لحاظ شرایط جغرافیایی و سوابق مشترک تاریخی، فرهنگی و... یک ملت را تشکیل می دهند؛ شناخته شد. اعمال حق تعیین سرنوشت بایستی با رعایت اهداف حقوق بین الملل همچون حفظ صلح و امنیت بین الملل و نیز توجه به اصول شناخته شده ای همانند اصل تمامیت ارضی، لحاظ گردد. با توجه به موارد یاد شده می توان تعریف ذیل را از حق تعیین سرنوشت ارائه داد: «هر اجتماع انسانی که خود را به صورت یک مجموعه شناسایی کرده و دارای درجاتی از خودآگاهی جمعی است، حق دارد ؛ مورد شناسایی قرار گرفته و آینده اش را خودش انتخاب کند .»

حق تعیین سرنوشت دارای دو جنبه بیرونی و درونی می باشد.جنبه بیرونی این حق ،حق مردم در تعیین وضعیت بین المللی یک ملت می باشد و ازمنظر درونی این حق را می توان حق مردم در انتخاب سیستم حکومتی ، مشارکت در تصمیم گیری جامعه و حفظ حقوق اقلیتها ،تعریف کرد.

با توجه به جنبه درونی این اصل ، حق تعیین سرنوشت یعنی حق مردم برای انتخاب و تعیین شکل سازمان سیاسی که می خواهند در چارچوب آن زندگی کرده و به وسیله آن با سایر مردمان ارتباط برقرار سازند و درباره سرنوشت خویش و مصلحت اجتماعی تصمیم بگیرند. اصل حق تعیین سرنوشت بر پایه نظریه حق حاکمیت مردم استوار است. این اصل در حقوق بین الملل، بسیار متأثر از تحولات اندیشه دموکراسی است و توجه روزافزون به مساله دموکراسی و حقوق بشر ، دامنه مفهومی آن را غنی کرده و به آن استحکام بخشیده است.

دولت هایی که به افراد ستم می کنند و آنها را سرکوب می نمایند ؛ عملاً موظف هستند که اجازه دهند مردم بتوانند آزادانه اصل تعیین سرنوشت را اعمال کنند و نباید با اعمال زور این حق نادیده گرفته شود.

برقراری حکومت عادلانه ، با توسل به زور امکان پذیر نیست؛ هرچند هر نوع حکومتی، از قدرت بی نیاز نیست؛ اما در عین حال، تنها قدرت و قوه اجرایی نیرومند، قادر به محو فساد و گسترش عدالت نیست، بلکه جامعه انسانی از نظر عقل ودانش ، باید به پایه ای برسد که طبعا خواهان برقراری حکومت حق و نابودی ظلم باشد و چنین حالتی با مشارکت ملت امکان پذیراست.

امروزه حق تعیین سرنوشت ، مورد توجه بسیاری از صاحب نظران است که معتقدند ، آحاد افراد یک ملت علاوه بر ؛ حق جمعی یک ملت، برای تعیین نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود، در برابر نیروی خارجی نیز از این حق برخوردارند و تبیین این حق با عنوان حق مشارکت در اداره امور عمومی کشور و انتخابات و امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملت می باشد. در این عصر نوین، دیگر نمی توان اهمیت بنیادین و پایه ای اصل حق تعیین سرنوشت را انکار و در برابر آن ایستادگی کرد. حضرت امام خمینی (ره) نیزاشاره کرده اند: « از حقوق اولیه هر ملتی است که باید سرنوشت و تعیین شکل و نوع حکومت خود را در دست داشته باشد. »

در فضای تک‌قطبی نظام بین‌الملل، اصل بر تداوم هژمونی قدرتهای استکباری است ؛ حق تعیین سرنوشت مفهومی مبهم و تکامل‌نیافته است و در بسیاری از موارد ، به ابزاری برای تحت فشار قرار دادن نظام‌های سیاسی غیرهمسو با منافع این قدرتها تبدیل شده است. انقلاب اسلامی با فروپاشی نظام دوقطبی واضمحلال قدرتهای استکباری ، بر اساس اصول عادلانه و آرمانی خود ،اساس و بنیان بی عدالتی و تفکر تبعیض آمیز نظام بین الملل رابرهم زد .

انقلاب های جامع وکامل، انقلاب هایی هستند که در عقاید، افکار، فرهنگ، سیاست و اجتماع و نیز روش ها و شیوه ها، تغییرات اساسی ایجاد می کنند. پدیده انقلاب، زمانی رخ می دهد که جامعه تحت فشار شدیدی قرار گرفته باشد . هرگاه مردم احساس کنند که ساخت ها و ساختارهای کنونی ناتوان از رسیدن به آن اهداف است به شکلی می کوشند تا آن را دگرگون سازند. علت اساسی انقلاب ، عدم کارآمدی مجموعه نظام های فکری و فرهنگی و قانونی و سیاسی و اجتماعی و مانند آن است که در طول زمانی بلند ناکارآمد شده و توانایی پاسخ به نیازها و اهداف جامعه را ندارد.

ملت ایران به رهبری امام خمینی(ره) توانستند به حاکمیت خاندان فاسد پهلوی خاتمه داده و آن‌را سرنگون سازند. وقوع انقلاب اسلامی یکی از تحولات سیاسی و بین المللی مهم به شمار می رود و به عنوان بزرگ‌ترین انقلاب ارزشی و فکری ریشه‌ای دیرین در باورها و اعتقادات دینی ملت مسلمان ایران دارد و فصل نوینی در تاریخ جهان گشوده که می توان اذعان کرد که این تحول در راستای بسیاری از اصول حقوق بین الملل همچون حق تعیین سرنوشت یک ملت قرار دارد. یکی از بزرگترین دستاوردهای انقلاب اسلامی ، القاء روحیه خود باوری و واگذاری امور مردم به خود آنان می توان ارزیابی کرد؛ به نحوی که حضرت امام (ره) بر نقش مردم در اداره امور تاکید ویژه ای داشتند و میزان را رای ملت اعلام کردند و مجلس را که نمایندگی ملت را بر عهده دارد ؛ در راس امور دانستند. حضرت امام خمینی(ره) چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن همواره تأکید بر نقش مردم داشته و حقیقتاً برای آن ارزش و اهمیت قائل بودند. در طول دوران مبارزه و بعد از پیروزی انقلاب، مخاطب و همراه اصلی امام ، توده مردم بودند. مقام معظم رهبری در جمع پُرشور مردم کرمانشاه فرمودند: «هیچ حادثه ای در تاریخ ایران همانند انقلاب اسلامی وجود ندارد که "مردم" در پیروزی و ادامه آن نقش مستقیم و اساسی داشته باشند.»

انقلاب اسلامی ایران با مشارکت اکثریت قاطع مردم ایران به پیروزی رسید ؛ در واقع، نماد واقعی و زنده جایگاه واقعی اصل مهم حقوق بشری و بین المللی ،یعنی حق تعیین سرنوشت که بسیاری از کشورها داعیه دار آن می باشند ؛ هویدا شد که ملتی در راستای مشارکت در اداره کشور و تحقق خواسته های ملی اقدامات انقلابی انجام داد. .پس از پیروزی انقلاب در همه پرسی دوازدهم فروردین ۵۸ ، ملت ایران با اکثریت قاطع برشکل ((جمهوری اسلامی))برای نظام جدید صحه گذاشت. طبق اصل پنجاه وششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص منشأ حاکمیت اشاره می شود:((حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او ، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است .هیچ کس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خدا داد را از طرقی که در اصول بعد می آید ؛ اعمال می کند .)) قانون اساسی ایران به عنوان یک قانون اساسی مدرن در تبیین منشأ قدرت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ،توجه خاص به حق حاکمیت مردم دارد. اصولاً در رژیم های سلطنتی، مردم نقش و جایگاه موثری در ساختار حکومتی و تعیین مقامات بلندپایه کشور و نیز تصمیم گیریهای مهم و کلان حکومت ندارند. رژیم پهلوی چه در قانون و چه در عمل، نقش قابل توجه و موثری برای مردم در نظر نگرفته بود و آراء و نظرات مردم ارزشی نداشت. جمهوری اسلامی ایران، با انقلاب و تشکیل حکومت جمهوری، نظامی دموکراتیک را تشکیل و با این اقدام ، اولین گام را در راستای حق تعیین سرنوشت در بعد داخلی برداشت. با تدوین قانون اساسی ، دیدگاه جمهوری اسلامی در ارتباط با این حق به طور واضح ، تبیین شد. بند ۸ اصل سوم قانون اساسی «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» موید همین گفتار می باشد. در نتیجه ، مردم نقش اصلی و تعیین کننده ای در مهمترین ساختارهای حکومتی، وضع قوانین و همه پرسیها و نیز اداره کشور باید داشته باشند. نظام بین المللی مطلوب انقلاب اسلامی ، نظامی عدالت محور با پذیرش حاکمیت برابر ملتها و حقوق مساوی انسانهاست. چنین بینش و سیاستی در انقلاب اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، مقارنت و همخوانی بسیار با اصل حق تعیین سرنوشت دارد. بر مبنای چنین حقی هر اجتماعی می‌تواند امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را آن گونه که مستقل از مداخله خارجی و مناسب می‌بیند ؛ اداره نماید. انقلاب اسلامی با اعتقاد به ضرورت استقرار عدالت در روابط بین المللی، برابری حقوق مساوی انسانها و حق حاکمیت ملت ها ، با تمامی نظام هایی که فاقد این ویژگی ها می باشند متفاوت می باشد. مردم در هر انقلاب و حکومت نقش مهم و مؤثری می توانند داشته باشند و به عنوان پشتیبانی حکومت و تداوم آن جایگاه ویژه ای دارند.

امروزه تمامی نظریه پردازان سیاسی و صاحب نظران روابط بین الملل معترف هستند که هیچ کشوری نمی تواند بدون توجه به نظام بین المللی اهداف ملی خود را دنبال کند و نظام بین الملل نقش تعیین کننده ای در نیل کشورها به اهداف ملی دارد. انقلاب اسلامی که استقلال و آزادی و توسعه ملی را اهداف راهبردی کشور ایران می داند؛ نمی تواند به ماهیت نظام بین المللی بی تفاوت باشد.

پیروزی انقلاب اسلامی ، یکی از مهمترین تحولات جهانی و منطقه در قرن بیستم به حساب می آید که به دلیل ماهیت ایدئولوژیک و هویت اسلامی این انقلاب و تمایز با دیگر انقلاب ها و نظامهای سیاسی جهان ،مورد نقد و بررسی در راستای ابداعات و اصول بین المللی واقع می شود .از نشانه ها و واقعیت های بارز و انکار ناپذیر انقلاب اسلامی ،تاثیر گذاری این انقلاب بر سایر حرکتهای انقلابی در میان ملل جهان بویژه مردم مسلمان منطقه ،می باشد. ملت های کشورهای بحرین ،اردن ،یمن ، تونس ،مصر.....، خاورمیانه ای رها از دخالت های سیاسی آمریکا و سران کشورهای غربی در تصمیم گیری های این سرزمین ها خواستارند. این ملتها نیز در راستای اصول بین الملل و حقوق بشر که از طرف سردمداران مملکت هایشان نادیده گرفته شده است، مطابق با اصل حق تعیین سرنوشت ، قیا م های مردمی، برپا کرده اند که این اعتراضات و قیامها ؛ریشه در مسایلی دارد که طی سالیان گذشته از جانب آنها با تسلط و نفوذ قدرتهای استکباری ، بر سر این ملتها اتفاق افتاده است. جمهوری اسلامی ایران ، پس از سه دهه توانسته است به عنوان الگوی مسلط منطقه ،جایگاه خود را تعریف کند و امید است این ملتها بتوانند با بهره گیری کامل از انقلاب ایران ، در تعیین سرنوشت سرزمین خویش در امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مستقل و آزادانه اقدام کنند.

***نظام بین المللی مطلوب انقلاب اسلامی ، نظامی عدالت محور با پذیرش حاکمیت برابر ملتها و حقوق مساوی انسانهاست. چنین بینش و سیاستی در انقلاب اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، مقارنت و همخوانی بسیار با اصل حق تعیین سرنوشت دارد.**

*** حضرت امام خمینی(ره) چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن همواره تأکید بر نقش مردم داشته و حقیقتاً برای آن ارزش و اهمیت قائل بودند. در طول دوران مبارزه و بعد از پیروزی انقلاب، مخاطب و همراه اصلی امام ، توده مردم بودند.**

۱: ماده ۲۱اعلامیه جهانی حقوق بشر

۲: بندهای الف، ب و ج ماده ۲۵ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی